

قانون جزائی فرانسه

ترجمه: دکتر سید محمد حسینی
عضو هیأت علمی دانشکده حقوق
دانشگاه تهران
(قسمت هشتم) (۱)

ماده یکصد و سی و دو - پنجاه و چهارم:
مرجع قضایی [دادگاه] در وضعیتها و مطابق کیفیات پیش‌بینی شده در مواد یکصد و سی و دو - چهل و یکصد و سی و دو - چهل و یکم، می‌تواند مقرر نماید که محکوم، برای مدت چهل تا دویست و چهل ساعت، یک کار عام‌المنفعه به سود شخصی حقوقی از اشخاص حقوقی مربوط به حقوق عمومی یا به سود مؤسسه‌ای که به طور معمول به اجرای کارهای عام‌المنفعه می‌پردازد انجام دهد. هنگامی که مجرم انجام کار عام‌المنفعه را نمی‌پذیرد یا در جلسه محاکمه حاضر نیست، تعلیق توأم با تکلیف به کار عام‌المنفعه نمی‌تواند مقرر شود. روشهای اجرای تکلیف به یک کار عام‌المنفعه توسط مقررات مواد یکصد و سی و یک - بیست و دوم و یکصد و سی و یک - بیست و چهارم معین شده‌اند. با به انجام رسیدن تمام کار عام‌المنفعه، محکومیت کان لم یکن تلقی می‌شود.

ماده یکصد و سی و دو - پنجاه و پنجم:
در طول مدتی که توسط مرجع صدور

حکم برای انجام کار عام‌المنفعه تعیین شده است، شخص محکوم باید، علاوه بر انجام کار مقرر شده، اقدامات کنترل‌کننده ذیل را به عمل آورد:

۱- احضار و دعوتی را که قاضی اجرای احکام یا عامل مراقبت از او به عمل می‌آورند اجابت کند؛

۲- به آزمایش پزشکی قبل از اجرای کیفر، که به منظور حصول اطمینان از عدم ابتلای او به بیماری خطرناک برای کارگران دیگر و احراز توانایی او از نظر پزشکی برای انجام کار محول شده به او به عمل می‌آید، تن بدهد؛

۳- انگیزه‌های تغییر شغل یا تغییر اقامتگاه را که مانع انجام کار عام‌المنفعه مطابق شیوه‌های مشخص شده می‌شوند مدلل سازد؛

۴- پیش از هر جابجایی و تغییر اقامتگاه که مانع انجام کار عام‌المنفعه مطابق نحوه تعیین شده خواهد شد، از قاضی اجرای احکام کسب اجازه نماید؛

۵- از دیدارهای عامل مراقبت استقبال کند و کلیه اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به اجرای کیفر را به او برساند.

محکوم همچنین باید اقدامات خاص مذکور در ماده یکصد و سی و دو - چهل و پنجم را که دادگاه به طور ویژه براو تکلیف کرده است انجام دهد.

ماده یکصد و سی و دو - پنجاه و ششم:
تعلیق توأم با تکلیف به انجام کار عام‌المنفعه تابع همان قواعدی است که برای تعلیق توأم با آزمایش پیش‌بینی شده است، به استثنای مقررات مذکور در قسمت دوم ماده یکصد و سی و دو - چهل و دوم و در قسمت دوم ماده یکصد و سی و دو - پنجاه و دوم؛ تکلیف به انجام کار عام‌المنفعه مشابه تکلیف خاصی است که در تعلیق آزمایشی برعهده محکوم گذاشته می‌شود و مهلت پیش‌بینی شده در ماده یکصد و سی و یک - بیست و دوم مشابه

مهلت آزمایش می‌باشد.

ماده یکصد و سی و دو - پنجاه و هفتم:
هر دادگاهی که برای ارتکاب جنحه‌ای مربوط به حقوق عمومی به محکومیتی مشتمل بر زندان بسته به مدت شش ماه به بالا حکم می‌دهد می‌تواند، هنگامی که این محکومیت دیگر قابل اعتراض توسط شخص محکوم نیست، مقرر نماید که اجرای آن تعلیق گردد و محکوم، به نفع یک ارگان یا انجمن عمومی، کاری عام‌المنفعه بدون اجرت برای مدتی که نباید کمتر از چهل ساعت و بیشتر از دویست و چهل ساعت باشد انجام دهد. اجرای تکلیف به انجام کار عام‌المنفعه تابع مقررات قسمت سوم ماده یکصد و سی و دو - پنجاه و چهارم و مقررات مواد یکصد و سی و دو - پنجاه و پنجم و یکصد و سی و دو - پنجاه و ششم می‌باشد.

زیر بخش ششم:

معافیت از کیفر و تعویق اعلام مجازات

ماده یکصد و سی و دو - پنجاه و هشتم:
در جرائم جنحه یا خلاف، جز در موارد مذکور در مواد یکصد و سی و دو - شصت و سوم تا یکصد و سی و دو - شصت و پنجم، دادگاه می‌تواند پس از اعلام مجرمیت مستهم و پس از آن که - لدی الاقتضاء - در مورد ضبط اشیاء خطرناک یا زیانبار [مربوط به جرم] تصمیم گرفت، محکوم را از هر مجازات دیگری معاف نماید و یا، در موارد و مطابق شرایط مذکور در مواد بعدی، اعلام کیفر دیگر را به تعویق اندازد.

همزمان با تصمیم به اعلام مجرمیت متهم، دادگاه - در موارد مقتضی - به دعوای حقوقی نیز رسیدگی می‌کند.

**پاراگراف اول
معافیت از کیفر**

ماده یکصد و سی و دو - پنجاه و نهم:
معافیت از کیفر هنگامی می‌تواند مورد

موافقت قرار گیرد که معلوم گردد مجرم به باز جاگیری در اجتماع نائل گشته، خسارت ناشی از جرم ترمیم و جبران، و تشویش و اختلال حاصل از جرم متوقف گردیده باشد.

مرجع قضایی که معافیت از کیفر را اعلام می کند می تواند تصمیم بگیرد که رأی او در سجل کیفری محکوم ثبت نشود. معافیت از مجازات شامل پرداخت هزینه دادرسی نمی شود.

پاراگراف دوم

تعویق ساده

ماده یکصد و سی و دو - تصمیم: مرجع قضایی هنگامی می تواند اعلام کیفر را به تعویق اندازد که آشکار شود مجرم در راه نیل به باز جاگیری در اجتماع قرار دارد، خسارت ناشی از جرم در وسیله جبران است و اختلال منتج از ارتکاب جرم در شرف اتمام می باشد.

در این موارد، مرجع قضایی در تصمیم خود، زمان تصمیم گیری در مورد اعلام یا عدم اعلام کیفر را تعیین می کند. تعویق اعلام مجازات فقط در صورتی می تواند مقرر شود که شخص حقیقی مجرم یا نماینده شخص حقوقی مجرم در جلسه اعلام رأی حاضر است.

ماده یکصد و سی و دو - شصت و یکم:

در جلسه مجدد دادگاه [که پس از تعویق اعلام کیفر و به منظور بررسی و ارزیابی مجدد اوضاع تشکیل می شود] دادگاه می تواند شخص محکوم مجرم اعلام شده را از کیفر معاف سازد، یا مجازات قانونی او را اعلام نماید، و یا، در شرایط و مطابق روشهای مذکور در ماده یکصد و سی و دو - شصتم، بار دیگر اعلام مجازات را به تعویق اندازد.

ماده یکصد و سی و دو - شصت و دوم:

تصمیم گیری در مورد مجازات، حداکثر تا یکسال از نخستین تصمیم به تعویق، اتخاذ می گردد.

پاراگراف سوم

تعویق توأم با آزمایش

ماده یکصد و سی و دو - شصت و سوم:

هنگامی که شخص حقیقی مجرم شناخته شده در جلسه دادگاه حاضر است، دادگاه می تواند، در وضعیتها و مطابق کیفیات مشخص شده در ماده یکصد و سی و دو - شصتم، با قرار دادن او تحت رژیم آزمایشی برای مدتی که نباید بیش از یک سال باشد، اعلام مجازات او را به تعویق اندازد.

این تصمیم دادگاه به طور موقت قابل

اجراء می باشد.

ماده یکصد و سی و دو - شصت و چهارم:

رژیم آزمایشی استفاده از مواد یکصد و سی و دو - چهل و سوم تا یکصد و سی و دو - چهل و ششم در موارد تعویق اعلام کیفر توأم با آزمایش اعمال می شود.

ماده یکصد و سی و دو - شصت و پنجم:

در جلسه مجدد دادگاه [که پس از مدت تعویق آزمایشی تشکیل می شود] دادگاه می تواند، با ملحوظ قرار دادن رفتار مجرم در طول مدت آزمایش، او را از تحمل مجازات معاف سازد، کیفر مقرر شده در قانون را برای او اعلام نماید، یا، در وضعیتها و مطابق کیفیات پیش بینی شده در ماده یکصد و سی و دو - شصت و سوم، بار دیگر اعلام کیفر را به تعویق اندازد. اخذ تصمیم نهایی در مورد مجازات حداکثر یک سال پس از نخستین تصمیم به تعویق اعلام کیفر به عمل می آید.

ماده یکصد و سی و دو - شصت و ششم:

در موارد پیش بینی شده در قوانین یا آیین نامه های ناظر بر مجازات قصور از انجام تکالیف مشخص شده، دادگاهی که اعلام کیفر را به تعویق می اندازد می تواند به شخص حقیقی یا شخص حقوقی که مجرمیت او را اعلام می کند دستور دهد مطابق یک یا چند مقرره این قوانین یا

آیین نامه ها عمل نماید.

دادگاه مهلتی را برای اجرای این تکالیف اعطا می کند.

ماده یکصد و سی و دو - شصت و هفتم:

دادگاه می تواند، هنگامی که در قانون یا آیین نامه پیش بینی شده، [به ازای هر روز تأخیر در انجام تکالیف] خسارت تأخیر مقرر نماید. در این موارد، دادگاه در محدوده مشخص شده در قانون یا آیین نامه، میزان جریمه تأخیر و حداکثر مهلت برای پرداخت آن را تعیین می کند.

در روزی که تکالیف مندرج در دستور دادگاه به اجرا در آید، افزایش جریمه تأخیر پرداخت متوقف می شود.

ماده یکصد و سی و دو - شصت و هشتم:

تعویق اعلام کیفر توأم با دستور به انجام برخی تکالیف فقط یک بار می تواند به عمل آید. این گونه تعویق اعلام کیفر حتی در مواردی هم که شخص حقیقی مجرم اعلام شده یا نماینده شخص حقوقی مجرم اعلام شده در جلسه دادگاه حاضر نیست می تواند مقرر شود.

در همه موارد، تصمیم دادگاه می تواند با اجرای موقت توأم شود.

ماده یکصد و سی و دو - شصت و نهم:

در جلسه مجددی که دادگاه تشکیل می دهد، هنگامی که تکالیف احصاء شده در امریه دادگاه به مجرم در مهلت تعیین شده انجام شده است، می تواند مجرم را از مجازات معاف کند یا کیفر پیش بینی شده در قانون یا آیین نامه را اعلام نماید.

در صورتی که تکالیف مقرر یا تأخیر اجرا شده، دادگاه، لدی الاقتضاء، جریمه تأخیر را تسویه نموده و مجازاتهای مقرر در قانون یا آیین نامه را اعلام می کند.

هنگامی که تکالیف احصاء شده در دستور العمل دادگاه اجرا نشده است، دادگاه، در موارد مقتضی، جریمه تأخیر را تسویه و مجازاتهای جرم ارتكابی را اعلام می کند و می تواند، به علاوه، در موارد و

مطابق شرایط پیش‌بینی شده در قانون یا آیین‌نامه، مقرر نماید که تکالیف مأمورین بها به هزینه شخص محکوم به اجرا درآید. جز در موارد وجود مقررات خاص مغایر، تصمیم نهایی در مورد مجازات، حداکثر تا یک سال پس از تصمیم به تعویق اعلام کیفر اخذ می‌شود.

ماده یکصد و سی و دو - هفتادم:

میزان جریمه تأخیر انجام تکلیف که در تصمیم دادگاه به تعویق اعلام کیفر تعیین شده است نمی‌تواند تغییر داده شود. برای تسویه جریمه تأخیر، دادگاه، لدی‌الاقضاء، با ملحوظ قرار دادن پیدایش حوادث و وقایع غیر قابل استناد به مجرم، مدت عدم اجرا یا تأخیر در اجرای تکالیف محوله را تقویم و محاسبه می‌کند. به جای جریمه تأخیر نمی‌توان شخص محکوم را به صورت فیزیکی [با زندانی کردن] وادار به انجام تکالیف کرد.

بخش سوّم:

تعریف برخی از اوضاع و احوال تشدیدکننده کیفر

ماده یکصد و سی و دو - هفتاد و یکم:

هر دسته و گروه با تفاهم و تباہی که به منظور تدارک ارتکاب یک یا چند جرم تشکیل شود و به وجود آید و تدارک و تمهید ارتکاب جرم با یک یا چند عمل مادی محقق شود باند سازمان یافته در معنای قانونی را تشکیل می‌دهد.

ماده یکصد و سی و دو - هفتاد و دوم:

سبق تصمیم عبارت است از طراحی و نقشه کشی که پیش از انجام یک جنایت یا جنحه معین به عمل آید.

ماده یکصد و سی و دو - هفتاد و سوّم:

هتک حرز عبارت است از فشار آوردن بر، آسیب رساندن به یا تخریب هر وسیله قفل کردن یا هر نوع حصار. استفاده از کلید ساختگی، کلیدی که به صورت ناروا به دست آمده، یا هر وسیله‌ای که بتواند بدون فشار و تخریب به طور متقلبانه برای

بازکردن وسیله قفل کننده به کار گرفته شود در حکم هتک حرز می‌باشد.

ماده یکصد و سی و دو - هفتاد و چهارم:

بالا رفتن از دیوار عبارت است از وارد شدن به هر جایی از بالای یک حصار و مانع یا از هر مدخلی که به منظور ورودی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد.

ماده یکصد و سی و دو - هفتاد و پنجم:

سلاح عبارت است از هر چیزی که مقصود از کاربرد آن کشتن یا زخمی کردن می‌باشد. هر چیز دیگری که قابلیت خطر سازی برای اشخاص داشته باشد، چنان که برای کشتن یا زخمی کردن یا تهدید دیگران به کار گرفته شود، یا مقصود حامل آن استفاده از آن برای کشتن، زخمی کردن یا تهدید باشد در حکم سلاح می‌باشد.

هر وسیله‌ای که، به لحاظ مشابهت با سلاح تعریف شده در بند اول این ماده، سلاح واقعی به نظر آید، چنان که برای تهدید به کشتن یا زخمی کردن مورد استفاده قرار گیرد یا مقصود حامل آن تهدید دیگران به قتل و جرح به وسیله آن باشد در حکم سلاح می‌باشد.

به کار گرفتن جانور برای کشتن، زخمی کردن یا تهدید دیگران در حکم استفاده از سلاح می‌باشد. در صورتی که مالک جانور محکوم شود یا مالک ناشناخته باشد، دادگاه می‌تواند مقرر نماید که جانور به یک مرکز عمومی یا اعلام شده نگهداری حیوانات تحویل شود؛ این مرکز با اختیار کامل جانور را می‌تواند در اختیار بگیرد.

فصل سوّم

سقوط مجازات و نفی محکومیت

ماده یکصد و سی و سه - یکم:

مرگ شخص حقیقی محکوم یا انحلال شخص حقوقی محکوم - جز در مواردی که انحلال توسط مرجع قضایی کیفری اعلام می‌شود - و عفو خصوصی و عمومی، از اجرای مجازات جلوگیری یا آن را مستوقف می‌کند، مع الوصف، پرداخت

جزای نقدی یا هزینه دادرسی و نیز ضبط اموال می‌تواند پس از مرگ شخص محکوم یا پس از انحلال شخص حقوقی محکوم تا خاتمه تسویه حساب به اجرا درآید. شمول مرور زمان مجازات، مانع اجرای آن می‌شود.

اعاده حیثیت محکومیت را محو می‌کند.

بخش اول: مرور زمان

ماده یکصد و سی و سه - دوم:

با مراعات مقررات ماده دو بیست و سیزده - پنجم، مجازاتهای اعلام شده برای ارتکاب جنایت با گذشت بیست سال از تاریخ قطعی شدن حکم محکومیت به اجرا در نمی‌آیند.

ماده یکصد و سی و سه - سوّم:

کیفرهای اعلام شده برای ارتکاب جنحه پس از گذشت پنج سال از تاریخ قطعیت یافتن محکومیت به مجازات مشمول مرور زمان می‌شوند.

ماده یکصد و سی و سه - چهارم:

مجازاتهای اعلام شده برای ارتکاب جرایم خلافی با گذشت دو سال از تاریخ قطعی شدن حکم محکومیت مشمول مرور زمان می‌شوند.

ماده یکصد و سی و سه - پنجم:

محکومین غیابی - به علت فرار یا به علت عدم ابلاغ واقعی احضاریه - که مجازات آنها مشمول مرور زمان می‌شود نمی‌توانند خود را به زندان یا بازداشتگاه معرفی کنند [تا بتوانند در محاکمه مجدداً از خود دفاع کنند] یا - به علت غایب بودن - به حکم محکومیت اعتراض بنمایند.

ماده یکصد و سی و سه - ششم:

تعهدات و تکالیف مدنی ناشی از یک حکم جزایی قطعیت یافته مطابق مقررات قانون مدنی مشمول مرور زمان می‌شوند.

بخش دوّم:

عفو خصوصی

ماده یکصد و سی و سه - هفتم:

عفو خصوصی فقط موجب معافیت از

اجرای کیفر است.

ماده یکصد و سی و سه - هشتم:

عفو خصوصی مانع اعمال حق قربانی جرم در جهت جبران خسارت ناشی از جرم نمی‌گردد.

بخش سوم:

عفو عمومی

ماده یکصد و سی و سه - نهم:

عفو عمومی محکومیت‌های اعلام شده را از بین می‌برد. این نوع عفو، بدون آن که تکلیف رد اموال به مالکان مالباخته را منتفی سازد، سقوط همه مجازات‌ها را در پی دارد. این عفو، مباشر یا معاون جرم را به وضعیت بهره‌مندی از تعلیقی که توانسته بوده در محکومیت سابق خود از آن منتفع شود باز می‌گرداند.

ماده یکصد و سی و سه - دهم:

عفو عمومی موجب اضرار بر اشخاص ثالث نمی‌شود.

ماده یکصد و سی و سه - یازدهم:

برای همه اشخاصی که، به اقتضای انجام فعالیت‌های شغلی، از محکومیت‌های کیفری، انتظامی یا صنفی یا از محرومیت‌های به صورت سلب حق یا سلب اهلیت که با عفو عمومی منتفی شده‌اند آگاهی دارند ممنوع است که به هر شکلی وجود محکومیت را مجدداً ذکر کنند یا در هر سند و مسدوکی ذکر آن را ابقاء نمایند. مع الوصف، نسخه اصلی احکام و قرارها و تصمیمات قضایی مشمول این ممنوعیت نمی‌باشند. به علاوه، عفو عمومی مانع انجام اعلام عمومی که به منظور جبران خسارت [معنوی] دستور داده شده است نمی‌شود.

بخش چهارم:

اعاده حیثیت

ماده یکصد و سی و سه - دوازدهم:

هر کس که کیفری جنایی، جنبه‌ای یا خلافی را تحمل کرده می‌تواند، در اوضاع و احوال پیش‌بینی شده در بخش حاضر، از

اعاده حیثیت قانونی [بدون نیاز به اخذ تصمیم خاص قضایی] و یا از اعاده حیثیت قضایی که در اوضاع و احوال مذکور در قانون آیین دادرسی کیفری با آن موافقت می‌شود بهره‌مند گردد.

ماده یکصد و سی و سه - سیزدهم:

اعاده حیثیت قانونی در مورد اشخاص حقیقی محکومی جریان می‌یابد که، در مسدتهایی که ذیلاً تعیین می‌گردند، هیچگونه محکومیت جدیدی به کیفر جنایی یا تأدیبی را تحمل نکرده باشد:

۱- برای محکومیت به جزای نقدی یا جزای نقدی روزانه بدل از حبس پس از گذشت سه سال از روزی که جزای نقدی یا مجموع جزای نقدی روزانه بدل از زندان پرداخت می‌شود، یا دوره زندان محکوم مستنکف از پرداخت که برای الزام او به پرداخت زندانی شده به پایان می‌رسد، یا مدت حبس پیش‌بینی شده در ماده

یکصد و سی و یک - بیست و پنجم منقضی یا مشمول مرور زمان می‌شود؛

۲- برای محکومیت به یک کیفر، یا محکومیت به زندانی که از یک سال تجاوز نکند، یا محکومیت به کیفری غیر از حبس جنایی عمومی، حبس جنایی سیاسی، زندان تأدیبی، جزای نقدی، جزای نقدی بدل از زندان، پس از گذشت پنج سال از اجرای کیفر یا از شمول مرور زمان؛

۳- برای محکومیت واحد به مجازات زندانی که از ده سال تجاوز نکند، یا برای محکومیت‌های متعدد به زندان که مجموع آنها از پنج سال تجاوز نکند، پس از گذشت ده سال از اتمام تحمل کیفر یا از شمول مرور زمان.

ماده یکصد و سی و سه - چهاردهم:

اعاده حیثیت قانونی در خصوص اشخاص حقوقی محکومی به عمل می‌آید که، در مهلت‌هایی که ذیلاً تعیین می‌شوند، هیچ محکومیت جدیدی به کیفری جنایی یا تأدیبی را تحمل نکرده باشند:

۱- برای محکومیت به جزای نقدی، پس از گذشت پنج سال از روز پرداخت جزای نقدی یا شمول مرور زمان؛

۲- برای محکومیت به کیفری جزای نقدی یا انحلال، پس از گذشت پنج سال از اجرای کیفر یا شمول مرور زمان.

ماده یکصد و سی و سه - پانزدهم:

مجازات‌های مدغم، برای اعمال مقررات مواد یکصد و سی و سه - سیزدهم و یکصد و سی و سه - چهاردهم، یک مجازات تلقی می‌شوند.

ماده یکصد و سی و سه - شانزدهم:

اعاده حیثیت همان آثاری را در پی دارد که در مواد یکصد و سی و سه - دهم و یکصد و سی و سه - یازدهم ذکر گردیده است. اعاده حیثیت هرگونه سلب حق و سلب اهلیت ناشی از محکومیت را منتفی می‌سازد. مع الوصف، هنگامی که شخص محکوم به پیگیری اقدامات اجتماعی - قضایی مذکور در ماده یکصد و سی و یک - سی و شش - یکم یا به ممنوعیت اشتغال به یک فعالیت صنفی یا داوطلبانه که متضمن تماس معمول با صفار می‌باشد محکوم شده، اعاده حیثیت فقط در پایان این محکومیت‌ها و ممنوعیت‌ها آثار خود را در پی دارد.

ماده یکصد و سی و سه - هفدهم:

برای اعمال مقررات مربوط به اعاده حیثیت، سقوط کیفر در نتیجه عفو معادل اجرای آن می‌باشد.

پی نوشت:

۱- با ارائه این قسمت از ترجمه قانون جزایی فرانسه، ترجمه کتاب نخست بخش اول این قانون که مشتمل بر مواد عمومی است به پایان می‌رسد. با اعلام تعویق و تعلیق ادامه این ترجمه برای مدتی نامشخص، ترجمه و ارائه ابواب دیگر این قانون را، که به حقوق جزای اختصاصی مربوط می‌باشد، موکول می‌کنیم به دریافت آراء خوانندگان گرامی، خصوصاً اساتید و پژوهشگران علاقمند، که نظرات و پیشنهادات خود را در رابطه با جوانب مختلف این کار به مجله ارسال نمایند. مترجم